

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۸

جمعه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۱۵ مای ۲۰۱۵

اطلاعیه شماره ۲۳۱

دستگیر شدگان اول مه باید آزاد شوند

آخرین اخبار از دستگیر شدگان دو ماه اخیر

صفحه ۵

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری در مورد وقایع مهاباد

صفحه ۴

تظاهرات در سردشت

در حمایت از مردم مهاباد

صفحه ۴

گزارش تصویری از تجمعات اعتراضی

هزاران معلم در ۱۷ اردیبهشت ۹۴

صفحه ۶

تجمع معلمان اخراجی در مقابل

استانداری سنندج

صفحه ۸



اعتراضات معلمان و پیشروی ها

شهلا دانشفر

بیشتر این مشاهدات و نشان دادن موقعیت کنونی معلمان به لحاظ مبارزاتی و گام های بعدی پیش روی آنان نکات مهمی است که تلاش دارم در این نوشته کوتاه به آن اشاره کنم.

صفحه ۲

تعیین یافتن بیشتر خواسته های معلمان، همبستگی مبارزاتی و طبقاتی آنان را با کارگران و با بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه که کمرشان زیر زندگی با دستمزدهای زیر خط فقر و فلاکت بیسابقه حاکم بر جامعه خرد شده است، بیش از پیش به نمایش گذاشت. باز کردن

تجمعات اعتراضی هزاران معلم در سراسر ایران در ۱۷ اردیبهشت در تداوم اعتراضات آنان از فاصله دی ماه گذشته تاکنون، گامی دیگر به جلو بود. این اعتراضات در عین حال دستاوردهای مهمی برای خود آنان و کل جامعه در پی داشت. و

بحران آخر :

ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی

منصور حکمت

تشدید شونده اقتصاد حکومت اسلامی نمی تواند باشد. حل معضلات مزمن و روز افزون جمهوری اسلامی سیاسی است.. تجدید انتشار و بازخوانی این مقاله منصور حکمت تصویر روشنتری از راه حل از بین بردن فقر و فلاکت اکثریت مردم ایران و سرنوشت محتوم جمهوری اسلامی، بدست می دهد.

صفحه ۳

برای جمهوری اسلامی کوچکترین امید به خروج از بن بست اقتصادی فراهم نشده، صحت نظرات منصور حکمت را ثابت می کند. این مقاله در کلیت خود بیان حال وضعیت امروز جمهوری اسلامی نیز هست. نه اقتصاد مقاومتی، نه توافقات هسته ای، نه توافق با آمریکا و غرب، نه کاهش فشار تحریم ها، نه امید به سرمایه گذاری خارجی و ... هیچکدام مداوای فلج

”جمهوری اسلامی در يك فلج برنامه ای در قلمرو اقتصادی گرفتار است“
این واقعیتی است که نه فقط مردم ایران بلکه هر ناظری حتی از يك قاره دیگر می تواند به راحتی ببیند و بیان کند. منصور حکمت ۲۲ سال قبل در مقاله ای تحت عنوان ”بحران آخر: ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی“، این را بیان کرد و ریشه ی آن را توضیح داد. اینکه در این فاصله زمانی

از ما می پرسند:

عفت، عصمت، حجب و حیا!

جایگاه این مقولات در نزد شما چیست و به چه امری

خدمت می کند؟

صفحه ۷

لیلا یوسفی پاسخ می دهد



وسیعاً به درون جامعه برد و کمک کرد که به گفتمان بخش وسیعی از مردم تبدیل شود و اینها همه نقطه عطف مهمی در مبارزات معلمان و اعتراضات کل جامعه بود.

تجمعات اعتراضی معلمان به این اعتبار گام مهمی بود در تعیین یافتن خواستهای معلمان و کل مردم. و این پیشروی در مبارزات معلمان وقتی بیشتر دیده میشود که این شعارها و این خواستها را با خواستهایی که در نقطه شروع اعتراضات آنان شاهد بودیم، مقایسه کنیم. از جمله مبارزات معلمان در ابتدا و به طور مثال در سال ۸۵ و بعد از آن اساساً بصورت اعتراض علیه تبعیض، اما با خواستی کلی و نامتعیین چون اجرای نظام هماهنگ دستمزدها خود را بیان میکرد. اما امروز معلمان ضمن اعتراض به تبعیضها و حقوقهای چند بار زیر خط فقر، به عنوان اولین قدم خواست روشن افزایش حقوقها به میزان بالاتر از خط فقر را به پیش کشیده اند و این خواست کارگران، بازنشستگان، پرستاران و کل جامعه است و بدست گرفتن این خواست مشخص توسط معلمان مبارزات آنان را بیش از پیش به مبارزات کارگران و بخش عظیمی از جامعه که جانشان از فقر و فلاکت حاکم به لب رسیده است و به ادامه این وضعیت اعتراض دارند، پیوند میدهد.

پیشروی دیگر تجمعات ۱۷ اردیبهشت معلمان سازمانیافتگی بیشتر این مبارزات و تعرضی تر

اعتراضات معلمان و پیشروی ها

جنبش اعتراضی کارگری و از جمله مبارزات معلمان حکایت دارد.

پیشروی ها کدامند

مبارزات معلمان در این مدت یک فاکتور مهم در تغییر توازن قوای سیاسی جامعه بوده و تاثیر مستقیم خود را بر فضای سیاسی شهرها گذاشته است. از جمله این اعتراضات و تجمع اخیر معلمان در ۱۷ اردیبهشت توانسته است گفتمان بر سر ممکن بودن چنین اشکالی از اعتراضات سراسری را بیش از پیش به گفتمان مردم تبدیل کند.

به عبارت روشنتر نفس برپایی تجمعاتی هزاران نفره و سراسری و تداوم چنین تجمعاتی در فاصله دی ماه تا کنون، خود یک اتفاق سیاسی مهم است که توانسته است تاثیرش را بر مبارزات کارگران و کل جامعه نیز بگذارد.

از جمله تاثیر و فشار این اعتراضات و اعتصابات هر روزه کارگران در مراکز کارگری را در اظهارات خود حکومت میشود به روشنی دید. بطوریکه زیر فشار این اعتراضات، امروز دارند از رعایت "مدبرانه حق اعتصاب" و اینکه این حق در "قانون کار" هم اعلام شده سخن میگویند. و این درحالیست که در قانون کار ضد کاری ضد کارگری حکومت اسلامی، کارگران از حقوق پایه ای چون حق تشکیل و حق اعتصاب محرومند. در هر حال نفس به راه افتادن این گفتمان ها از پیشروی

کردن این خواستها و جذب بیشتر بخش های مختلف جامعه به این اعتراضات بود. از جمله در تجمعات ۱۷ اردیبهشت حضور خانواده های دانش آموزان و خانواده های معلمان قابل توجه تر بود.

موقعیت امروز معلمان و گام های بعدی

مبارزات معلمان در این دوره و جنبش و جوش سیاسی ای که حول آن در شهرهای مختلف و در کل جامعه به راه افتاده است، توجه ها را بیش از پیش به خود جلب کرده است و این مبارزات در کنار اعتراضات هر روزه کارگران دارد به مرکز ثقلی مهم در سیر تحولات سیاسی جامعه تبدیل میشود. به این اعتبار معلمان امروز در موقعیت قویتر، سازمانیافته تر و متحدتری برای پیگیری خواستها و مبارزاتشان قرار دارند. با توجه به این موقعیت و با توجه به خواستهایی که دارند این مبارزات بیش از هر وقت زمینه اجتماعی برای حمایت وسیع کل جامعه را دارد.

نفس اینکه امروز بحث بر سر خواستهای معلمان و وضع آموزش و پرورش و غیره به موضوع بحث در مجلس تبدیل میشود، وعده اختصاص بودجه بیشتر به آموزش و پرورش داده میشود، و از رتبه بندی کار معلمان و غیره بحث میشود،

بودن فضای اعتراضی در میان آنان بود. این را در خواندن قطعنامه در تجمع اعتراضی چند هزار نفره معلمان در تهران و کف زدن حاضرین در تایید آن، در بلند شدن طنین شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" در تجمع چند هزار نفره معلمان در مشهد، در سر دادن شعار "خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون" در بوشهر، و در درست شدن زنجیره انسانی در تجمعات معلمان در همدان هنگامیکه قطعنامه را میخواندند، میشد به روشنی دید. یک خواست معلمان در این تجمعات حق برپایی مجامع عمومی قانون های صنفی در شهرهای مختلف و دخالت فعال توده عظیم معلمان در پیگیری خواستها و مبارزاتشان بود. بیان این خواست، نشانگر نقش مهم سازمانیابی و تشکیل در میان معلمان است.

نوشته های قبلی در مورد نقش مدیای اجتماعی در سازمانیابی مبارزات معلمان نوشتیم. از جمله گفته اسماعیل عبیدی دبیر کانون صنفی معلمان مبنی بر اینکه معلمان از طریق گرد آمدنشان در وایبر و خبررسانی وسیع در آن از تشکلهای خود جلو تر بودند، روشنگر این حقیقت است.

در تدارک تجمعات ۱۷ اردیبهشت معلمان همچنین گفتمان وسیعی بر سر خواستهایشان به راه انداختند و این خود قدم مهمی برای اجتماعی



زنجیره انسانی در همدان

بحران آخر:

ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی

از صفحه ۱



سیاسی بورژوازی حاکم در ایران هرگاه و از هر طرف آغاز شود، بشدت قهرآمیز و خونین خواهد بود.

ثانیا، اساسا بخشی از این تغییر ریل در حیطه قدرت رژیم ایران نبود. موقعیت اسلام و اسلامیت در رابطه با غرب، برای مثال، تنها توسط رژیم ایران تعیین نمیشود. مساله اعراب و اسرائیل، مساله تروریسم اسلامی و غیره، اگر خواهیم عقب تر برویم، جدایی های استراتژیک تری میان سرمایه داری های پیشرفته آمریکا و اروپا با کشورهای به اصطلاح مسلمان نشین خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد کرده است. کشورهای اسلام زده، مستقل از جد و جهد و جانماز آب کشیدنهای رهبرانشان، در این عصر حوزه مساعد انکشاف سرمایه و تکنولوژی غربی نیستند.

ثالثا، برای اینکه سرمایه به صنعت پا بگذارد، بخصوص صنایع سنگین که دور گردش سرمایه در آنها طولانی است و حتی راه اندازی و به سود رساندن آنها به طول میانجامد، ثبات سیاسی و امنیت سیاسی سرمایه برای یک دراز مدت اقتصادی لازم است. برای جمهوری اسلامی دادن چنین تصویری از خود چه به سرمایه دار داخلی که فعلا تجارت و دلالی میکند و چه به سرمایه دار خارجی، بسادگی مقدور نیست.

به این اعتبار رفسنجانی عملا نتوانست، و در شکل موجود نمیتوانست، پلاتفرم خود را پیاده کند. بعد اقتصادی "سیاست رفسنجانی" از قضا ساده ترین و مورد توافق ترین بعد آن بود. هرچند وجوهی از این سیاست عملا ناکام باقی ماندند. آزاد کردن رابطه ریال و دلار به ثبات قیمتها و کاهش ارزش دولتی منجر نشد، برای بنگاههای دولتی مشتری پیدا نشد، علیرغم کاهش شدید سطح دستمزدها، بخصوص به معادل دلازی آنها، تحرك جدی ای به سرمایه گذاری در بخش صنعتی در ایران مشاهده نشد. سرمایه تجاری پا به قلمرو صنعت

صریح یا سر بسته مواد این پلاتفرم را بیان میکردند، این تصویری بود که دول غربی، جمهوریخواهان و ملیون ایرانی در خارج کشور و مردم به عصبیان آمده کشور از جناح رفسنجانی ساخته بودند. عبارت "جناح معتدل" که در میان دول غربی رواج یافت بر همین خصلت نمایی از جناح رفسنجانی متکی بود. باز به همین عنوان بود که رفسنجانی در میان اپوزیسیون ملی و لیبرال ایرانی در خارج کشور طرفدار پیدا کرد و برای توده مردم ایران سمبل "شر کمتر" شد.

خام اندیشی است اگر فکر کنیم آمریکا، مردم ایران و یا حتی جمهوریخواهان و ملیون در اپوزیسیون به پدیده رفسنجانی بعنوان یک آلترناتیو در خود مینگریستند. برای همه، و هر یک به نوعی، جناح رفسنجانی مبین آغاز یک پروسه تغییر بازگشت ناپذیر در جمهوری اسلامی و نفی نهایی آن در آینده ای دور یا نزدیک بود. رفسنجانی بر مبنای این پلاتفرم روندی را شروع میکرد. اما نه او و نه رژیم اسلامی آن را به پایان نمیداد.

این تبیین چند مشکل اساسی داشت،

اولا بنا به ماهیت جمهوری اسلامی، موقعیتش در معادلات جهانی و نیز ترکیب جناحهای داخلی اش، این سیر حرکت نمیتوانست تدریجی بماند و یا حتی مراحل اولیه اش را در آرامش طی کند. تغییرات مستتر در پلاتفرم جامع رفسنجانی برای جمهوری اسلامی تکان دهنده تر از آن بود که بدون کشمکش حاد و تعیین تکلیف بنیادی در رژیم جلو برود. رفسنجانی برای پیاده کردن پلاتفرم خویش میبایست در قدم اول، و نه حتی در قدم دوم، به یک نبرد سیاسی سرنوشت ساز بر سر خود جمهوری اسلامی، اسلام و ولایت فقیه و جایگاه اینها در ساختار سیاسی ایران وارد بشود. نبردی که با توجه به ترکیب و موقعیت نیروهای

نیست که اقتصاد جمهوری اسلامی را به بن بست رسانده است، بلکه برعکس این بن بست جمهوری اسلامی است که سیاست اقتصادی رفسنجانی را به شکست کشانده است. خروج سرمایه داری ایران از این سیر قهرایی نیز منوط به کشف یا غلبه سیاست اقتصادی "درست" نیست. راه خروج بورژوازی ایران نیز اساسا راهی سیاسی است.

شکست "پدیده رفسنجانی"

رفسنجانی بر مبنای یک پلاتفرم مشخص در دور اول به ریاست جمهوری رسید. او صرفا یک حرکت اقتصادی در محدوده بازار داخلی را نمایندگی نمیکرد. پلاتفرم رفسنجانی، و یا بهر حال آن جهتگیری و افقی که چه غرب و چه بورژوازی صنعتی ایران در سیمای رفسنجانی جستجو میکرد، بر ارکان زیر متکی بود:

۱- انتقال از اقتصاد نیمه دولتی، دستوری و مدیریت شده و اضطرابی حاصل دوران خمینی به یک اقتصاد بورژوایی متعارف متکی بر بازار.

۲- ایجاد ثبات و امنیت حقوقی و اداری برای سرمایه. اعاده تقدس مالکیت و مصون بودن سرمایه از تعرض موارء اقتصادی دولت و نهادهای اسلامی متفرقه.

۳- بهبود رابطه با غرب. پیوستن به جامعه کشورهای متعارف. از این طریق قرار گرفتن در حوزه مجاز توسعه اقتصادی و صدور سرمایه، دسترسی به بازار خرید و فروش، منابع سرمایه گذاری، تکنولوژی و تخصص در بازار جهانی.

۴- درجه ای از تخفیف در فشار فرهنگی و اخلاقی اسلام و رژیم اسلامی به مردم برای دادن نمای یک جامعه متعارف و قابل تحمل برای بورژوازی.

مستقل از اینکه رفسنجانی و مهره های اصلی این جناح خود تا چه حد

این واقعیت که رژیم اسلامی از نظر اقتصادی به بن بست رسیده و سیاست اقتصادی جناح رفسنجانی به نتایج مورد نظر منجر نشده حتی توسط خود برنامه ریزان رژیم چندان انکار نمیشود. برنامه دوم، در فضایی از نابوری و دولتی نسبت به محورهای اصلی سیاست اولیه رفسنجانی، نظیر خصوصی کردن ها، شناور کردن و یک نرخی کردن ریال، حذف سوبسیدها، آزاد کردن واردات و غیره، بعنوان یک برنامه برای بقا اقتصاد و دفع وقت ارائه شده است. واقعیت اینست که هیچ جناح دیگری، نه دولتگراهای حزب الله سابق و نه افراطیون مدافع بخش خصوصی در جناح رسالت قادر نیستند و حتی تلاش جدی ای نمیکند آلترناتیوی به سیاستهای اقتصادی جاری پیشنهاد کنند.

جمهوری اسلامی در یک فلج برنامه ای در قلمرو اقتصادی گرفتار است. این را همه حس کرده اند و به طرق مختلف وحشتشان را از عاقبت سیاسی روندی که هیچیک راهی برای توقف آن سراغ ندارند ابراز میکنند.

غالبا در تجزیه و تحلیل بن بست اقتصادی رژیم و در نقد ریشه ها و نتایج آن، تکیه یکجانبه و به اعتقاد من فرمال و نابجائی بر پارامترهای اقتصادی درون ایران و از آن بازتر بر اجزاء عملی "سیاست رفسنجانی" گذاشته میشود. بنظر من ریشه بن بست اقتصادی رژیم اساسا اینجا نیست. فاکتورهای بنیادی تری خارج از قلمرو "اقتصاد ایران" و روندها و تضادهای داخلی آن، رژیم اسلامی را بعنوان یک "پروژه اقتصادی" به شکست محکوم کرده اند. این فاکتورها جهانی و استراتژیکی اند، در اقتصاد سیاسی دوران حاضر ریشه دارند و به ماهیت و جایگاه خاص جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی در جهان امروز برمیگردند. عبارت دیگر این سیاست رفسنجانی

بیانیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری در مورد وقایع مهباد

مردم مبارز و آزادیخواه!

تلاش یکی از عوامل وزارت اطلاعات برای تجاوز به فریناز خسروانی که به مرگ فریناز منجر شد، موجی از خشم و اعتراض مردم نه تنها در مهباد بلکه در کردستان و در سراسر کشور برانگیخته است. مقامات جمهوری اسلامی طبق سنت و سیاست همیشگی تلاش کردند کشته شدن فریناز را با سناریوهای نخ نما سرهم بنویسند. از یک سو گفتند فریناز سر خورده و به پایین سقوط کرده است و کسی مقصر نیست و از سوی دیگر فرماندار مهباد وقتیکه خشم و تنفر عمومی مردم را بو کشید سراسیمه در نقش قاضی دادگاه ظاهر شد و اعلام کرد که «اعمال اتوریته می‌کنم به دادرسی شهرستان مهباد اعلام کردیم که قرار وثیقه سنگینی برای متهم صادر کنند و فرد خاطی دستگیر و با وثیقه سنگین و تا روشن شدن موضوع در بازداشت نگه داشته می‌شود».

اما این فرد خاطی کیست؟ چه کاره است؟ چه مسئولیتی در وزارت اطلاعات داشته است؟ صاحب هتل چه نقشی در این جنایت داشته است؟ همه اینها را مردم باید بدانند. مردم کوچکترین اعتمادی به سیستم قضایی

حکومت ندارند و خواهان آزادی عمل برای ایجاد يك کمیته حقیقت یاب و حضور مستقیم در بازجویی از عاملین این جنایت، گزارشدهی به جامعه و معرفی و محاکمه سریع و علنی متهمین این جنایت هستند. فرمانداری که امروز اشک تصاح میریزد همان کسی است که دستور تیراندازی و سرکوب مردم را صادر کرد و مستقیماً دستش به خون کسانی که در تظاهرات روز ۱۷ اردیبهشت کشته و زخمی شدند آلوده است. مردم خواهان محاکمه فرماندار آدمکش مهباد و معرفی و محاکمه کلیه آمرین و عاملین جنایت در روز ۱۷ اردیبهشت هستند.

جمهوری اسلامی در وحشت از شعله ور شدن خشم و اعتراض مردم، شهرهای کردستان را بشدت نظامی کرده است. این تفلها اما نشان از هراس و دستپاچگی سران حکومتی است که اگر ده سال قبل جسد شوانه قادری را روی زمین میکشاندند تا مردم را مرعوب کنند، امروز اما بلافاصله حکم بازداشت مأمور خود را میدهند و از مردم دلجویی میکنند. دوران قلمرومنشی حکومت به پایان رسیده است و اینرا مردم مهباد و مردم در سراسر کشور میبینند و صفوف

خود را برای بزیر کشیدن این حکومت آماده میکنند. مردم بدست کل حکومت و قوانین و دم و دستگاهی را پشت کشته شدن فریناز میبینند که زن را از هر حقی محروم کرده و با سرکوب مردم و مقابله با تشکل های آنها، دست مزدوران و لمپن های اطلاعاتی و نظامی خود را برای هر تجاوز و جنایتی باز گذاشته است. آتش زدن هتل تارا اقدام جوانان و مردم جسور و حق طلب مهباد علیه کل این حکومت و در عین حال زهر چشم گرفتن از سرمایه داران مرتجع بود که با همدستی با مزدوران حکومت و با قربانی کردن مردم، سود و سرمایه خود را کرور کرور بالا میبرند. این بخشی از اعتراضی است که در اصفهان در مقابل اسیدپاشی به زنان و در خوزستان در مقابل جنایات بی‌شمار و هر روزه علیه مردم و در تهران و در سراسر کشور علیه فقر و سرکوب و محرومیت جریان دارد. این بخشی از خشم فرو خورده مردم علیه تجاوز و علیه قتل‌های سازمانیافته حکومتی که يك سر آن در اصفهان و تهران و سر دیگر آن در مهباد است، بطور روزمره در سراسر کشور جریان دارد. اعتراض و مبارزه مردم مهباد و همبستگی مردم آزاده در شهرهای دیگر ایران همچنان بقوت خود ادامه خواهد داشت. جمهوری اسلامی در وحشت از شعله

کشور را برای سرنگونی کل این نظام تحکیم میکنند. نه تنها خانواده فریناز خسروانی و مردم مهباد بلکه تمامی مردم در سراسر ایران کوچکترین اعتمادی به سیستم قضایی حکومتی ندارند. مردم خواهان این هستند که مقامات حکومتی علناً و رسماً مسئولیت این جنایت را به عهده بگیرند و از مردم و خانواده فریناز و دیگر قربانیان این واقعه معذرت خواهی کنند. از نظر ما و مردم تنها مرجع صلاحیت دار رسیدگی به این فاجعه نمایندگان واقعی مردم در شهر مهباد هستند. قطعاً در چنین شرایطی برای کشف تمام حقایق، محاکمه علنی خواهد بود.

اقدام بحق مردم مهباد بخشی از حرکت سرنگونی طلبانه کل جامعه است. اعتراضات و خشم فرو خورده مردم در مبارزات زنان و کل جامعه علیه اسیدپاشی، علیه تجاوز و علیه قتل‌های سازمانیافته حکومتی که يك سر آن در اصفهان و تهران و سر دیگر آن در مهباد است، بطور روزمره در سراسر کشور جریان دارد. اعتراض و مبارزه مردم مهباد و همبستگی مردم آزاده در شهرهای دیگر ایران همچنان بقوت خود ادامه خواهد داشت. جمهوری اسلامی در وحشت از شعله

ور شدن خشم و ناراضی مردم سراسر کشور، شهرهای کردستان را امنیتی کرده است. این تفلها نشان از هراس، زبونی و دستپاچگی سران حکومت دارد. از منظر مردم آزادیخواه و برابری طلب، نظامی کردن شهرها به معنای دیگری گویای قبول کردن جنایت و جنایتهای متعددی است که حکومت اسلامی هر بار با بروز چنین وقایعی و از ترس سربرآوردن حرکت‌های اعتراضی عظیم توده های مردم بسته آمده، توپ و تفنگش را برخ مردم میکشد. اما باید بدانند که دوران قلمرومنشی اش به پایان رسیده است. مردم مهباد ساکت نخواهند ماند چرا که حمایت مردم مبارز شهرهای کردستان و سراسر کشور را با خود دارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر خود را در غم از دست دادن فریناز عزیز شریک میدانند، به خانواده و بستگانش صمیمانه تسلیت میگویند و مردم آزادیخواه کردستان و سراسر کشور را به حمایت از مردم مهباد فرامیخوانند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد مبارزات آزادیخواهانه مردم
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری
۱۹ اردیبهشت ۹۴

اطلاعیه خبری

تظاهرات در سردشت

در حمایت از مردم مهباد

هم دستگیر شدند. شعار و پلاکاردها: "مهباد تنها نیست". "فربا تنها نیست". "ما خواهان معرفی و محاکمه عاملین قتل فریناز هستیم".

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری

۱۹ اردیبهشت ۹۴

مه ۲۰۱۵

تظاهرات روز شنبه ۱۹ اردیبهشت در سردشت از ساعت ۴ به‌عازظهر از خیابان شیخ مولانا نزدیک آتش نشانی شروع و تا خیابان کمریندی نزدیک بانک سپاه ادامه داشت. این تجمع اعتراضی مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت. ابتدا با گاز اشکآور توانستند مردم را پراکنده کنند بعد بسوی جمعیت تیر اندازی را شروع کردند. در جریان تیر اندازی حداقل يك نفر زخمی و حدود ۲۰ نفر

بحران آخر: ریشه های سیاسی بن بست اقتصادی رژیم اسلامی

از صفحه ۳

تری برخوردار شده اند، از آن محروم بوده اند. بهای نفت مهم است و حتی از نظر عددی حیات و ممات رژیم به آن گره خورده است، اما مبنای بن بست امروز رژیم نیست.

شکست سیاست رفسنجانی و شروع تجدید نظر در ابعاد اقتصادی این سیاست، بنظر من گویای فلج رژیم اسلامی از نظر سیاست اقتصادی است. این البته دوران "نظم نوین" است و باید جا را برای محیرالعقول ترین تحولات باز گذاشت. چه بسا شکاف در غرب، ظهور يك آلمان از ناتو جسته و اتمی و در تدارك جنگ با رقبای که دنبال متحدی در منطقه میگرد، نه فقط جمهوری اسلامی بلکه اسلام بطور کلی را برهاند. اما بر مبنای فاکتورهای قابل پیش بینی

متحد و مشتری آمریکا، عملی نبود. وجود جمهوری اسلامی و تکاپوی اسلامی و تضادها و کشمکشهای اساسی میان دول منطقه، فاکتور مهم تری در سقوط قیمت نفت در مقایسه با اشباع انبارهای اروپای غربی است. ثانیاً، در غیاب این فاکتورهای استراتژیکی و غیر اقتصادی (به معنای روزمره کلمه) اقتصاد ایران حتی در بدترین حالت به يك سوسید چند میلیارد دلاری از محل نفت دسترسی دارد که بسیاری از کشورهایی که استراتژی صنعتی شدن را نسبتاً با موفقیت پیش برده اند، یا لاف از ثبات و رشد بادوام

دنیاى امروز، بنظر بن بست اقتصادى جمهورى اسلامى بن بست آخرش است. تجدید نظرها و سازماندهی اقتصاد صبر و دفع وقت شاید انفجار سیاسى محتوم را چند صباحی به عقب بیاورد. اما مرحله مهم بعدی در سرنوشت جمهورى اسلامى، مرحله اى سیاسى است.

منصور حکمت

اولین بار در بهمن ۱۳۷۲، فوریه ۱۹۹۴، در شماره ۱۲ و ۱۱
انترناسیونال منتشر شد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

دستگیر شدگان اول مه باید آزاد شوند

آخرین اخبار از دستگیر شدگان دو ماه اخیر

از آرام و فواد زندگی خبری در دست نیست

آرام و فواد زندگی دو برادر و دو فعال کارگری در شهر سنندج و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در ۲۵ فروردین ماه دستگیر و همچنان در بازداشت بسر میبرند و از آنها خبری در دست نیست.

علیرضا هاشمی همچنان در بازداشت بسر میبرد



علیرضا هاشمی دبیر سازمان معلمان است. او بدنبال تجمعات اعتراضی سراسری معلمان در ۲۷ فروردین در ۳۰ فروردین دستگیر و همچنان در بازداشت بسر میبرد. یکی از خواستهای معلمان در اعتراضاتشان آزادی معلمان زندانی رسول بداعی، محمود باقری، علیرضا هاشمی و عبدالرضا قنبری است.

کوروش بخشنده، نظام صادقی، رضا امجدی و حامد محمودنژاد آزاد شدند

کوروش بخشنده و نظام صادقی، حامد محمود نژاد و رضا امجدی از فعالین کارگری شناخته شده در شهر سنندج و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری هستند که به ترتیب روزهای ۱۶ اسفند ماه ۹۳، ۱۶ فروردین، ۲۹ فروردین ماه و ۵ اردیبهشت دستگیر شده



داود رضوی و ابراهیم مددی به بند ۲۰۹ منتقل شدند

صالحی و عثمان اسماعیلی همچنان در بازداشت بسر میبرند



پدرام نصراللهی همچنان در بازداشت بسر میبرد

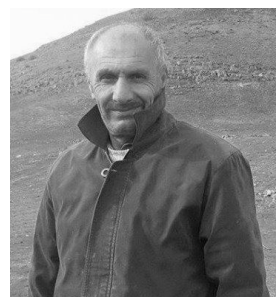


پدرام از فعالین کارگری شناخته شده در شهر سنندج و عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری است. او در ۹ اردیبهشت دستگیر و همچنان در بازداشت بسر میبرد

محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری و عثمان اسماعیلی عضو کمیته دفاع از فعالین کارگری در شهر سقز در ۸ اردیبهشت دستگیر شدند. پس از گذشت ۵ روز از دستگیر آنان، خانواده های آنان با مراجعه به شعبه ۵ دادیاری دادسرای انقلاب اسلامی در سنندج با خبر شدند که دستگیری آنان با اتهام "ایجاد تشکل کارگری" صورت گرفته و برایشان ۱۵ روز قرار بازداشت صادر شده است. محمود صالحی و عثمان اسماعیلی همچنان در بازداشت بسر میبرند.

قرار بازداشت ۱۵ روزه برای محمود صالحی و عثمان اسماعیلی

محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری و عثمان اسماعیلی عضو کمیته دفاع از فعالین کارگری در شهر سقز در ۸ اردیبهشت دستگیر شدند. پس از گذشت ۵ روز از دستگیر آنان، خانواده های آنان با مراجعه به شعبه ۵ دادیاری دادسرای انقلاب اسلامی در سنندج با خبر شدند که دستگیری آنان با اتهام "ایجاد تشکل کارگری" صورت گرفته و برایشان ۱۵ روز قرار بازداشت صادر شده است. محمود



۶ سال و سه سال و نیم حبس محکوم شدند. جعفر عظیم زاده در ۹ اردیبهشت بعد از مراسم کارگران در گرامیداشت هشت اردیبهشت در مقابل مجلس احضار و مدت ۵ ساعت زیر بازجویی قرار گرفت. لغو احکام صادره برای این دو فعال کارگری یکی از خواستهای تجمع کنندگان اول ماه مه در مقابل مجلس بود. احکام صادره برای جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی باید فوراً لغو و فشار و تهدید بر روی رهبران و فعالین کارگری متوقف شود. بعلاوه هم اکنون شماری از کارگران زندانی از جمله بهنام ابراهیم زاده با صدور نه سال و نیم حکم جدید زندان، شاهرخ زمانی با ۱۱ سال حکم، محمد جراحی با ۵ سال حکم، رسول بداعی با ۶ سال حکم، عبدالرضا قنبری با ده سال حکم، محمود باقری با ۶ سال حکم در زندانند.

همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۱۴ مه ۲۰۱۵

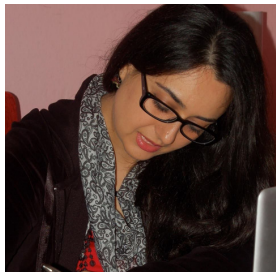
Shahla.
Daneshtar2@gmail.com
http://free-them-now.com





از ما میپرسند: عفت، عصمت، حجب و حیا!

جایگاه این مقولات در نزد شما چیست و به چه امری خدمت می کند؟



لیلا یوسفی

از آنجایی که تفکر مرد سالاری و جامعه قبیله گرا و حکومت های مذهبی علاقه ای به شخصیت آزاد و مستقل یک زن را ندارند، از مفاهیم این کلمات برای ایجاد محدودیت هر بیشتر آنها استفاده می کنند و مانع یک زندگی برابر برای دو جنس مخالف می شوند. نقطه ی مقابل این موضوع، مردان هستند که چندان نیازی به رعایت حجب و حیا و عفت ندارند. در این تفکر غیر انسانی، تنها "غیرت" خواهند داشت. اگر زنی مرتکب "بی عفتی" بشود یا تشخیص داده شود که "بی حیایی" کرده است، مرد "غیرتی" می شود و بازهم بلا دامنگیر خود زن می شود. جزای او از کتک و تنبیه جسمی آغاز شده تا به اسید پاشی و سنگسار و اعدام می رسد. مرد سالاران که حاکمیتشان بطور سیستماتیک از راه تحقیر و توهین و توسری زدن به زن می گذرد، به شدت در تلاش هستند که این اختراع پوچ و عقب مانده را مدام در جامعه

گسترش بدهند. از جمله آموزش در مدرسه، تبلیغات منفی علیه شخصیت زنان در تلویزیون و رادیو و سینما، حتا در ادبیات، او را ضعیف و بدون تفکر جلوه دادن و موجودی مصرفی که تنها باید به "مردش" تکیه زند تا بتواند به حیاتش ادامه بدهد. گاهی مرد سالار از در دوستی، از حجب و حیای زن تقدس می سازد و باید و نبایدهایی را برای او تعیین و نقش مادر بودن او را از زن بودنش پررنگ تر می کند و این مادر "مقدس" فداکاری هایش و محدودیت هایش همه در خدمت مردان است و برای خود هیچ نمی خواهد و شخصیت او از پیش تعیین شده است. زنی که از این کاراکتر سر باز بزنند و بخواهند آزادانه عمل کنند، پس عفت و عصمت ندارند و هر حکمی بر آنها رواست. حکومت اسلامی هم سردمدار و پاسدار این گونه تفکر است و از همین معانی برای خانه نشین کردن و فرمانبرداری زن از مرد استفاده می کند. او را به عنوان جنس مطرح می کند، حقوقش را برابر مرد پرداخت

نمی کند، انتخاب رشته های مدیریتی را برای دانشجویان "مؤنث" حذف می نماید. حق طلاق و بچه را به مرد می دهد. هرگونه ورزش و رقص و موسیقی و حتا تفریح را به همین عنوان که عصمت و عفت زن لکه دار می شود، برای آنها حرام اعلام می کند. او را به همین بهانه از هر مشارکت و حضور در جامعه محروم می سازد. در این میان تفکر مرد سالار پافرازی می گذارد و در زندگی شخصی و عاطفی زن هم دخالت می کند. از لباس پوشیدن و خندیدن و ابراز عقیده و نحوه ی زندگی، تا آنجا که او را ناموس خود اعلام می کند و همین "ناموس" و "غیرت" می تواند او را راحت به کشتن بدهد. بی دلیل نیست که زنان همواره یکی از قربانیان خشونت در جامعه هستند. این نتیجه ی زن ستیزی است که در متن جامعه وجود دارد. مرد می تواند در هر سن و سالی از این "ناموس" چهارتایش را داشته باشد. ولی این "جنس دوم" حق انتخاب و عاشق شدن را ندارد. او

تنها باید در مقابل مرد بپذیرد. به ترتیب پدر، برادر، عمو و شوهر برای او تصمیم می گیرند و او را همیشه در حد "ضعیفه" نگاه می دارند. گاهی قوانین کشورهای دموکرات تر هم نمی تواند جلودار این حوادث خشونت بار و جنایت های قبیله بشود. مرد در میان خانواده اش تصمیم به تجاوز، قتل، شکنجه و آزار دختر و زن در هر سنی را می گیرد و هیچ قانونی مانع او نیست، به این خاطر که خود را مالک زن می داند. با این احوال، حجب و حیا و عفت در نزد زنان که خواهان یک زندگی آزاد و برابر با مردان را هستند، به هیچ عنوان جایگاه و ارزشی ندارد. آنها تمام قوانین و تفکر عقب مانده مذاهب و قوم و قبیله ای و تمام این لیبیل های ضد زن را کنار می زنند و در زندگی روزمره خود نیز به مبارزه علیه آن می پردازند. زنان با پشتکار و جدیت پا در تمام عرصه ها گذاشتند و در جایی که همه چیز برایشان حرام بود و زنان را عامل فساد اعلام می کردند، آواز خواندند

مختلف است.

تاکید دیگر پیگیری خواستهای قطعنامه تجمع اعتراضی ۱۷ اردیبهشت است. از جمله پیگیری این خواستها توسط معلمان از طریق نمایندگانشان، تعیین اولتیماتوم برای پاسخگویی به آن و اعلام اینکه اگر پاسخ نگیرند دوباره دست به تجمع خواهند زد و تدارک فراخوانهای اعتراضی بعدی است. تاکید دیگر، پافشاری بر روی آزادی معلمان زندانی، از جمله رسول بداغی، عبدالرضا قنبری، محمود باقری و علیرضا هاشمی دبیر سازمان معلمان است که در کوران اعتراضات اخیر آنان دستگیر شد. تاکید بر این خواست، تاکید بر خواست آزادی زندانیان سیاسی به معنی گرفتن حربه گذاشتن فشار و تهدید بروی معلمان معترض برای جلوگیری از سازمانیابی مبارزات و پیگیری خواستهایشان است. در

سر خواستهایی که دارند تنها نیستند و اکنون کارگران و بطور واقعی بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه را با این خواست معین در کنار خود دارند و باید همچنان پرچم این خواست را پافراشته نگاهدارند. نباید گذاشت که مبارزات معلمان با وعده های مجلس و غیره عقب رانده شود و در مبارزاتشان دچار سردرگمی و سرخوردگی شوند. یک شرط مهم حفظ اتحاد معلمان در مبارزاتشان متحد نگاهداشتن آنان حول خواستهایی است که در قطعنامه هایشان اعلام کردند و در راس آن خواست افزایش فوری حقوقها به رقمی بالاتر از خط فقر است.

تاکید دیگر گسترش سازمانیابی در خطوط مدیای اجتماعی و از جمله وایبر و جاری نگاهداشتن این گفتمان ها در این خطوط در میان بخش هر چه وسیعتری از معلمان در شهرهای

اعتراضات معلمان و پیشروی ها

از صفحه ۲

نتیجه فشار اعتراضات معلمان است. آنها از یکسو همان افزایش ۱۴ درصدی به حقوقهای چند بار زیر خط فقر معلمان را تاکید کردند و از سوی دیگر با پیش کشیدن طرحهایی چون رتبه بندی کار معلمان و غیره و اضافه شدن چندرغاز پول تحت این عناوین تلاش میکنند که فضای اعتراض در میان معلمان را به درجه ای تخفیف دهند و در عین حال تردیدهایی در میان بخشی از معلمان ایجاد کرده و صفوف متحشنان را به هم بریزند. اما تجمعات هزاران نفره معلمان در ۱۷ اردیبهشت با شعار افزایش "حقوقها به بالاتر از خط فقر"، پاسخ متحد معلمان به این تمهیدات بود.

همین راستا فشار بر روی اسماعیل عبیدی و قرار دادن وی در دوراهی استعفا یا ده سال زندان، باید با وسیعترین اعتراض از سوی معلمان پاسخ گیرد. باید طومارهای اعتراضی جمع کرد و با اعتراضی گسترده به این گستاخی حکومت پاسخ درخورد.

و بالاخره تاکید بر همبستگی مبارزاتی بین مبارزات معلمان، کارگران، پرستاران و بخش های مختلف حقوق بگیر و محروم جامعه است. تاکید بر جلب بیشتر حمایت اجتماعی خصوصا خانواده های دانش آموزان که بخش عظیمی از جمعیت کشور هستند، است. با رساندن صدای اعتراض معلمان به کل جامعه باید برای جلب این همبستگی و جلب بیشترین حمایت ها تلاش کرد.

زنده باد مبارزات متحد معلمان

تجمع معلمان اخراجی در مقابل استانداری سنندج

دستمزد معلمان بودند و اعلام کردند که از خواسته‌های معلمان در سراسر کشور دفاع میکنند. همین منبع خبری تأیید کرد که امروز همزمان با معلمان اخراجی سنندج تعدادی از معلمان شهرستان سقز هم تجمع کرده و با پیاده روی بر ادامه اعتراض و مطالبات خود تأکید کردند.

بنا به خبر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران امروز پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت معلمان اخراجی در مقابل استانداری سنندج تجمع کردند. معلمان خواهان بازگشت بکار هستند. دهها نفر معلم اخراجی که بدلائل واهی از کار اخراج شده اند با این تجمع اعلام کردند که خواهان بازگشت فوری بکار هستند. در عین حال معلمان حاضر در این تجمع خواهان آزادی معلمان دستگیر شده و افزایش

اطلاعیه خبری: وحشت رژیم از اعتراضات مردم در شهرهای کردستان

گزارش خبری ذکر شد که بیش از ده نفر دستگیر شده اند. که سه زن به اسامی: شنو خضری، سهیلا حسینی پور و صفا حسینی جزو دستگیر شدگان می باشند.

مهاباد: طبق آخرین اخبار از مهاباد به خانواده دستگیر شدگان روزهای گذشته اعلام شده است که خانواده های دستگیر شدگان میتوانند ابتدا برای آزادی عزیزانشان ۵۰ میلیون وثیقه نقدی همراه داشته باشند. ایجاد فضای امنیتی در شهرهای کردستان نشاندهنده وحشت و هراس رژیم از اعتراضات روبه گسترش مردم است. تمامی دستگیر شدگان روزهای اخیر بدون قید و شرط باید هرچه زودتر آزاد شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۲۲ اردیبهشت ۹۴
۱۲ مه ۲۰۱۵

سنندج: بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب حالت فوق العاده نظامی در شهر سنندج برقرار است. نیروهای نظامی، امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در شهر و اماکن عمومی با رفت و آمدهای غیر عادی بر میزان و شدت فضای امنیتی افزوده اند. رژیم جمهوری اسلامی با اقدامات نظامی و با وارد کردن نیروهای لباس شخصی، هراس از اعتراضات خیابانی و تجمع را آشکارا به مردم نشان داده است. جواب محکم به تحریک نظامی و امنیتی - نظامی کردن شهر، در گرو در دست گرفتن اقدامات ابتکاری پخش تراکت و پلاکارد در محکومیت شرایط نظامی کنونی است.

سردشت: سهیلا به همراه دخترش صفا حسینی پور، از دستگیر شدگان روز ۱۹ اردیبهشت سردشت میباشند. در گزارشات قبلی اخبار اعتراضات مردم شهر سردشت در حمایت از مردم مهاباد را به اطلاع رسانیم همچنین در این



رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،

برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

انجمن مارکسی
در شهر کلن آلمان برگزار می کند

**سرمایه،
گذشته، حال و آینده**

بازخوانی مارکسی
گروندریسه

سخنران:
مصطفی صابر

زمان برگزاری ۷ ژوئن ۲۰۱۵
ورود به سالن ساعت ۳ بعد از ظهر - آدرس:
Alte Feuerwache Köln, Melchiorstr 3
50670 Köln

تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۶۳۶۱۱۸۵۵۵

انجمن مارکس کلن با مدیریت پروین معاذی اداره میشود.
همکاران: احمد رحمانی، نسان نودینیان

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود